خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
چهار شنبه، ۲۷ فروردین ۱۴۰۴
شماره ۲۱۷۴۵
۱۷ شوال ۱۴۴۶
۱۶ آوریل ۲۰۲۵

دیدگاه

صابر گل عنبری
info@khorasannews.com

میانجیگر اصلی و عجله ترامپ!

سفر ویتکاف به روسیه و دیدار چهار و نیم ساعته او با پوتین و پرواز مستقیمش از این کشور به عمان در شنبه گذشته برای گفت‌وگو با وزیر خارجه ایران، سفر آخر هفته عراقچی به مسکو و احتمال دیدار او با رئیس جمهور روسیه، آن هم قبل از شروع دور دوم گفت‌وگوها، نشانگر نقش مهمی است که کرملین در این دور مذاکرات بر خلاف گفت‌وگوهای منتهی به برجام در سال ۲۰۱۵ بازی می‌کند. به نظر می‌رسد که نقش روسیه در این مذاکرات میان دو طرف ایرانی و آمریکایی فراتر از عمان است. با این نقش پررنگی که مسکو ایفا می‌کند، بعید نیست در آینده به ایستگاهی و چه بسا مهم‌ترین آن‌ها در مسیر گفت‌وگوهای ایران و آمریکا بدل شود و اگر این اتفاق بیفتد، مذاکرات از حیث شکل و محتوا متفاوت‌تر از قبل آن خواهد بود.

این نقش‌آفرینی مسکو در بحبوحه مذاکرات خود با آمریکا پیرامون جنگ اوکراین بیانگر قسمی پیوند میان سرنوشت هر دو مذاکرات است. اما این لزوما بدان معنا نیست که توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن حتما تالی زمانی توافق احتمالی در جنگ اوکراین خواهد بود، بلکه ممکن است عکس آن اتفاق بیفتد.

در این میان، اما سفر گروسی مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در دستور کار قرار گرفتن لوایح مربوط به پیوستن ایران به «فاتف»، اعلام خرسندی گسترده در منطقه از گفت‌وگوها به استثنای اسرائیل، رضایت بالای دو طرف ایرانی و آمریکایی از نتایج دور اول مذاکرات در مسقط، همه و همه منعکس کننده «تحولات و تحرکاتی جدی و سریع» در روند مذاکرات برای دستیابی به توافق است.

پیشران همه این تحولات هم خود ترامپ است که عجله عجیبی برای توافق با ایران دست کم در بعد اعلامی از خود نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که او در مواجهه با بن‌بست‌ها در پرونده‌های متعدد خارجی خود از جنگ غزه و آزادی گروگان‌ها گرفته تا جنگ اوکراین و جنگ تجاری به دنبال ثبت و ترویج یک «موفقیت بزرگ» است و از این رو، معتقد است که چه بسا حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران آسان‌تر از بقیه پرونده‌ها باشد. علت هم این است که در پرونده ایران، آمریکا خود مستقیما طرف مذاکره است، اما در پرونده جنگ اوکراین و غزه این گونه نیست و مسئله در اصل میان مسکو کی‌یف و حماس و اسرائیل است. در همین حال اگر واقعا موضوع مذاکرات ایران و آمریکا صرفا در این پرونده خلاصه شود و خواسته اصلی آمریکا بر چیدن برنامه هسته‌ای ایران نباشد، احتمالا در سایه وجود متن آماده برجام با اندک تغییرات زمانی در آن توافق سریع‌تر از آن چیزی که گمان می‌رود حاصل شود.

در این راستا، فعلا در بعد اعلامی، ترامپ صرفا درباره برنامه هسته‌ای و نه پرونده‌های دیگر سخن می‌گوید و حرفی از برچیدن کل این برنامه هم نمی‌زند و هدف خود را جلوگیری از دستیابی تهران به بمب اتمی بیان می‌کند.

با این دورتندی که ترامپ در مذاکره با وجود تکرار تهدیدهایش برای بمباران تاسیسات هسته‌ای ایران در صورت عدم توافق برداشته است، هیچ بعید نیست که حتی به توافقی همسطح برجام هم راضی شود، ولی در مقابل در بعد روایت بر آن مانور بزرگی دهد و از موفقیت عظیم خود در منع دستیابی ایران به بمب اتم و شکست بایدن و اوباما در این باره بگوید.

این رویکرد ترامپ به شدت موجب نگرانی تصمیم‌سازان و نهادهای امنیتی اسرائیلی هم شده است؛ اما بنیامین نتانیاهو که فعلا به فکر ماندن در قدرت است و به هیچ وجه قصد ورود به چالش با ترامپ را هم ندارد و حتی اگر بتواند ما به ازای آن را با هدف حفظ قدرت در تداوم جنگ غزه و آزادگذاشتن بیشتر دست اسرائیل در منطقه کسب کند، ممکن است حداقل در بعد اعلامی از توافقی که ممکن است ترامپ با ایران امضا کند، حمایت هم بکند.

اما گویا ترامپ خواهان یک توافق جامع و سریع درباره برنامه هسته‌ای است، ولی تهران توافق مرحله به مرحله را برای راستی آزمایی درباره رفع تحریم‌ها بیشتر می‌پسندد. به هر حال، تعهدات ایران قابلیت اجرای سریع را دارد اما رفع تحریم‌ها تا حدودی زمان‌بر است.

فعلا هیچ کسی جز خود ترامپ نمی‌داند که در سر او چه می‌گذرد و این که علت واقعی این همه عجله او برای توافق با ایران چیست؟ آیا صرفا همانی است که شرحش رفت؟ یا انگیزه‌های دیگری دارد؟ فعلا که حتی توجهی به هشدارها و توصیه‌های برخی ناظران جمهوری‌خواه و اسرائیل نمی‌کند که معتقد هستند در این شرایط منطقه و در سایه تحولات لبنان و سوریه با تشدید فشار هابر ایران می‌توان در آینده در شرایط واجد فرصت‌های بیشتری مذاکره کند و به توافق بهتری دست یابد.

باید منتظر ماند و دید که آیا این رویکرد ترامپ در جریان مذاکرات با ورود به جزئیات فنی و پیچیده ادامه می‌یابد، یا ممکن است با پیشرفت گفت‌وگوها درباره پرونده هسته‌ای در مرحله مشخصی ترامپ خواسته‌های سختگیرانه و چالشی در این حوزه و یا دیگر پرونده‌های چالشی مطرح کند.

آن سوی استقبال شیخ‌نشین‌ها از مذاکرات

گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا با محوریت رفع تحریم‌ها، به‌سرعت به نقطه‌ای کلیدی در معادلات امنیتی منطقه‌ای تبدیل شده‌اند؛ جایی که کشورهای عربی، نقش تهران را در ایجاد ثبات به رسمیت شناخته و اسرائیل از تغییر موازنه نگران شده‌است

گروه سیاسی- برگزاری دور اول مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا و اعلام تداوم گفت‌وگوهای آغاز شده از شنبه هفته آینده بار دیگر پرونده تنش‌زدایی از خلیج‌فارس تا شرق مدیترانه را به سطح نخست دستور کار بازیگران منطقه‌ای کشانده است. این گفت‌وگوها که با میانجی‌گری عمان آغاز شده، اگرچه صرفاً به حوزه هسته‌ای و رفع تحریم‌ها محدود است، اما بازتاب آن در میان کشورهای عربی منطقه به‌وضوح نشان از امید به تغییرات بزرگ‌تر دارد. از کویت و قطر گرفته تا عربستان و عراق، شاهد فضایی از استقبال و تأکید بر فرصت‌سازی این مذاکرات برای ثبات منطقه‌ای هستیم؛ فضایی که بیش از آن که بیانگر خوش‌بینی صرف باشد، بیانگر یک نیاز مشترک به خروج از وضعیت بحرانی موجود است.

استقبال منطقه از دیپلماسی به‌عنوان راه ثبات

در بیانیه‌ها و اظهارنظرهایی که به‌دنبال دور اول مذاکرات منتشر شد، یک محور مشترک دیده می‌شود: تقویت امنیت منطقه از مسیر دیپلماسی. وزارت خارجه عراق، در واکنش به دیدار وزیر خارجه این کشور با رئیس هیئت ایرانی در نشست آنتالیا، به صراحت ابراز امیدواری کرد که گفت‌وگوها به «تحقق ثبات در منطقه» منجر شود. شورای همکاری خلیج‌فارس نیز از این مسیر به‌عنوان ابزاری برای «خدمت به امنیت و صلح» یاد کرد. در بیانیه وزارت خارجه مصر هم بر نقش این مذاکرات در «تقویت امنیت و ثبات منطقه» تأکید شده است. عربستان سعودی نیز اعلام کرد: «ریاض امیدوار است نتایج مذاکرات ایران و آمریکا به حمایت از اقدامات مشترک برای تقویت امنیت منطقه‌ای و جهانی منجر شود.» کشورهای کویت، قطر، امارات عربی متحده و بحرین نیز مواضع مشابهی داشته‌اند.

ضرورت بازتعریف معادله امنیتی منطقه

اما آنچه این موضع‌گیری‌ها را معنادار می‌کند، صرفاً واژگان دیپلماتیک نیست؛ بلکه بازتاب یک راهبرد مشترک در میان کشورهای منطقه برای عبور از معادله‌ای است که طی دو دهه اخیر، امنیت را گروگان رقابت‌های ژئوپلیتیکی و مداخلات فرامنطقه‌ای کرده است. در این میان، گفت‌وگوهای غیرمستقیم ایران و آمریکا، بهانه‌ای شده برای بازخوانی یک واقعیت قدیمی: بدون ایران، ثبات در منطقه امکان‌پذیر نیست.

ایران؛ ضلع ثابت هر طرح ثبات‌ساز منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران، به‌واسطه جایگاه ژئوپلیتیکی، عمق استراتژیک در منطقه و توان اثرگذاری بر معادلات امنیتی غرب آسیا، همواره یکی از اضلاع اصلی هر پروژه ثبات‌ساز در منطقه بوده است. برخلاف قدرت‌های فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، ایران خود را بخشی از منطقه می‌داند و در قبال آن تعهد راهبردی دارد. این در حالی است که کارنامه آمریکا در منطقه، نه تنها فاقد هرگونه دستاورد امنیت‌ساز است، بلکه از عراق تا افغانستان، یمن و سوریه، همواره موجد بحران‌های امنیتی بوده است. واقعیت آن است که هر زمان نقش آمریکا در معادلات منطقه‌ای پررنگ‌تر شده، امنیت و آرامش، به عقب رانده شده‌اند.

راهبرد چندلایه ایران در برابر سیاست مهار

مذاکرات اخیر، در عمل بخشی از راهبرد چندلایه‌ای است که ایران در عرصه سیاست خارجی دنبال می‌کند. در این راهبرد، هدف نه صرفاً رفع تحریم، بلکه مدیریت راهبردی فشارهای بیرونی و بازتعریف نقش ایران در نظم منطقه‌ای است. به همین دلیل، برخلاف آمریکا که همچنان به سیاست مهار و فشار می‌اندیشد، ایران با قدرت نرم دیپلماتیک و قدرت سخت میدانی، در حال تثبیت یک پارادایم جایگزین در منطقه است؛ پارادایمی که به‌جای رقابت نیابتی و تنش، بر همکاری منطقه‌محور و امنیت جمعی تأکید دارد.

هوشیاری منطقه در برابر نقش‌آفرینی نیابتی‌ها

تحلیل واکنش‌های کشورهای منطقه به این مذاکرات، همچنین آشکار می‌سازد که نوعی آگاهی جمعی نسبت به نقش مخرب نیابتی‌های آمریکا، از جمله رژیم صهیونیستی، در حال شکل‌گیری است. با آن که موضوع مذاکرات تهران و واشنگتن به‌طور مستقیم شامل سایر پرونده‌ها در منطقه نیست، اما با توجه به رویکرد امنیت‌زای ایران در حمایت از محور مقاومت، باز شدن فضا برای تعاملات بیشتر می‌تواند در نهایت به تضعیف موقعیت رژیم صهیونیستی در معادلات منطقه‌ای منجر شود. واقعیتی که واشنگتن و تل‌آویو به خوبی از آن آگاه‌اند و لذا به هر قیمت ممکن، به دنبال کنترل یا انحراف مسیر این گفت‌وگوها هستند.

اعتماد منطقه به ظرفیت ثبات‌ساز ایران

در مذاکرات آغاز شده باید به یک نکته کلیدی توجه داشت: بازتاب مثبت مذاکرات ایران و آمریکا در میان کشورهای منطقه، بیش از آن که ناشی از خوش‌بینی به نیت آمریکا باشد، حاصل اعتماد به راهبرد عقلانی و ثبات‌ساز ایران است. ایران، برخلاف تصویرسازی‌های غربی، نه یک تهدید بلکه یک فرصت برای منطقه است؛ فرصتی برای ساختن نظمی بومی، پایدار و غیروابسته به اراده قدرت‌های خارجی.

فراخبر

مذاکره هسته‌ای و اعراب خلیج فارس

کیهان برزگر- عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، کویت و بحرین (و مصر) همگی از مذاکرات هسته‌ای جاری بین ایران و آمریکا حمایت کردند و ثمربخش بودن این گفت‌وگوها را برای امنیت و ثبات منطقه‌ای حیاتی دانستند. موضع مثبت سعودی‌ها و سایر اعراب منطقه خلیج‌فارس نسبت به مذاکرات هسته‌ای (برخلاف دور گذشته) حاکی از تغییر استراتژی سیاست خارجی آن‌ها و نزدیکی همزمان آن‌ها به ایران و آمریکا به منظور سازگاری با محیط جدید ژئوپلیتیک منطقه‌ای به‌ویژه پس از وقایع ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و جنگ غزه است.

تغییر استراتژی اعراب خلیج‌فارس بیش از هر چیز به اتخاذ سیاست هژمونی‌طلبانه و پادگانی رژیم اسرائیل در منطقه بعد از تحولات وقایع اکتبر برمی‌گردد که امنیت مطلق را صرفا در توسل به عملیات نظامی در کل جغرافیای جهان عرب (از جمله اشغال بخشی از خاک سوریه) در شرایط هرج‌ومرج می‌بینند. در این وضعیت، اعراب منطقه به‌ویژه سعودی‌ها بهترین سیاست برای مدیریت و خنثی‌سازی رویکرد انحصارگرایانه و مخرب تل‌آویو را «موازنه‌سازی» در صحنه سیاست منطقه‌ای و جهانی می‌دانند. پیش از این هم عربستان برای مدیریت سیاست منفعت‌محور و دوپهلوی آمریکا نسبت به خود، از جمله عدم واکنش واشنگتن به حمله نظامی به آرامکو در سپتامبر ۲۰۱۹، به موازنه‌سازی سیاسی و امنیتی در روابط فرامنطقه‌ای (نزدیکی به روسیه و چین) و منطقه‌ای خود روی آورد که یکی از نتایج آن تقویت همکاری‌ها با ایران (و ترکیه) بود.

برخی از دیدگاه‌ها در داخل کشور ما، سعودی‌ها و اعراب خلیج‌فارس را همواره ادامه سیاست آمریکا در منطقه دانسته و خواهان برخورد با آن‌ها به‌عنوان نقطه آسیب‌پذیر این کشور در منطقه در شرایط وقوع احتمالی جنگ بین ایران و آمریکا هستند؛ اما شرایط منطقه‌ای اکنون تغییر کرده و اعراب خلیج‌فارس با تغییر استراتژی، متمرکز بر موازنه‌سازی در سیاست خارجی برای تأمین منافع و امنیت ملی خود شده‌اند. آن‌ها دیگر بین ایران و آمریکا یا چین و آمریکا انتخاب نمی‌کنند و روابط با همه کشورها را برای موازنه‌سازی در سیاست خارجی و پرهیز از هرگونه تنش و بی‌ثباتی ضروری می‌دانند. به همین دلیل، در مذاکرات هسته‌ای جاری می‌توان از نقش اعراب خلیج‌فارس به‌ویژه سعودی‌ها در جهت چانه‌زنی همزمان با آمریکا و اسرائیل استفاده کرد. به‌عنوان نمونه، سعودی‌ها با اعضای کابینه و نزدیکان ترامپ از جمله ویتکاف و کوشنر روابط اقتصادی و دوستی نزدیکی دارند. آن‌ها می‌توانند دولت آمریکا را تشویق به همکاری با ایران به نفع صلح و امنیت منطقه‌ای کرده و برای جبران این امر قول سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی هم در ایران و هم در آمریکا بدهند. رشد و توسعه فزاینده اقتصادی سعودی و به تبع تثبیت جایگاه قدرت بزرگ منطقه‌ای از طریق اجرای طرح‌های جاه‌طلبانه محمد بن سلمان، نیاز به ثبات در منطقه و مهم‌تر اتصال زنجیره اقتصادی و ترانزیتی کالاها دارد. به این لحاظ، سعودی‌ها نقش هژمونی‌طلبانه و جنگ‌طلبانه فعلی رژیم نتانیاهو در جغرافیای جهان عرب را دقیقا در جهت خلاف منافع خود محاسبه می‌کنند. از نظر ریاض، بهترین سیاست برای خنثی‌سازی و منزوی کردن رویکرد هژمونی‌طلبانه اسرائیل، رجوع به سیاست موازنه‌سازی و کاربرد دیپلماسی است. یکی از حساس‌ترین بخش‌های این دور از مذاکرات هسته‌ای بین ایران و آمریکا مربوط به کلیت و منطق ورود به مذاکره و تأثیرات آن بر جایگاه منطقه‌ای و جهانی کشورمان در شرایط گذار ژئوپلیتیک کنونی است. تجربه تاریخ روابط بین‌الملل به ما می‌آموزد که دولت‌های تمدنی (همچون ایران) در وضعیت هرج‌ومرج تلاش می‌کنند تا با اتخاذ رویکردهای تعاملی و با استفاده از ابزار دیپلماسی فعال، جایگاه نقش و قدرت خود را با محیط پویای ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی سازگار کرده و از این طریق منافع و امنیت ملی خود را با کمترین هزینه تأمین کنند. بی‌شک، یک توافق معقول هسته‌ای عیار قدرت منطقه‌ای را بالا می‌برد و با متوازن کردن روابط بین‌المللی ایران به‌ویژه با روسیه، چین و اروپا بر ارزش استراتژیک آن در سیاست جهانی می‌افزاید. مهم‌تر اجماع منطقه‌ای اعراب در مورد چنین توافقی خود گام مهمی در تقویت گرایش به «اتحاد منطقه‌ای» برای دستیابی به صلح و امنیت از طریق موازنه‌سازی در روابط با قدرت‌های فرامنطقه‌ای به حساب می‌آید که می‌تواند اهداف هژمونی‌طلبانه و نظامی‌گرایانه کنونی رژیم اسرائیل در منطقه را تا حدود زیادی خنثی کند.

به واقع، مذاکرات هسته‌ای فرصت خوبی برای تجمیع منافع ایران و اعراب خلیج‌فارس در موضوعات منطقه‌ای برای خنثی‌سازی تهدید اسرائیل و مدیریت نقش منافع محور آمریکا فراهم کرده است. نگرانی سنتی دولت‌های عربی چالش وجود نیروهای شبه‌نظامی مورد حمایت ایران برای رژیم‌های آن‌ها بود. اما اکنون اکثر این نیروها در حال ادغام در ساختار نظامی و امنیتی دولت‌های خود و بازبینی نظری در نقش منطقه‌ای خود هستند. در این وضعیت، نگرانی اصلی اعراب منطقه اکنون متمرکز به نقش هژمونی‌گرایانه اسرائیل و تبعات زیان‌بار آن برای ثبات و امنیت منطقه‌ای شده که از تکنولوژی و مصونیت آمریکا هم بهره‌مند است. از این زاویه، اعراب منطقه خلیج‌فارس به جای ارائه تهدید، یک فرصت چانه‌زنی خوب برای ایران در روند مذاکرات هسته‌ای جاری هستند.

عطار؛ اندیشه‌ای فراتر از زمان

نشست بزرگداشت عطار نیشابوری با نگاهی به دیدگاه‌های فلسفی، عرفانی و مردمی او در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد

زیبا قدسی فر- نشست بزرگداشت عطار نیشابوری در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. به گزارش روزنامه خراسان، مراسم بزرگداشت عطار نیشابوری با حضور جمعی از استادان و علاقه‌مندان حوزه ادبیات فارسی، در تالار دکتر علی شریعتی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. در این نشست، دکتر جواد محقق نیشابوری و دکتر محمد تقوی، دو تن از پژوهشگران و استادان زبان و ادبیات فارسی سخنرانی کردند.

پرسشگری در شعر راز آلود عطار

دکتر محقق نیشابوری در ابتدای نشست، با اشاره به ویژگی‌های شعر عطار، بیان کرد: «عطار معمولاً در آثارش سوالات بنیادین و فلسفی انسانی را مطرح می‌کند و سپس خود به آن‌ها پاسخ می‌دهد، سوالات مقدری که با انسان است و در سرشت او قرار دارد.»

وی افزود: برای پی بردن به اندیشه‌های عطار، باید به مثنوی‌های او مراجعه کرد، چرا که این آثار بیش از غزلیات و تذکره‌الاولیاء بازتاب‌دهنده افکار او هستند.

محقق نیشابوری در ادامه، به مقایسه دیدگاه‌های مولانا و عطار پرداخت و اظهار کرد: «مولانا مانند یک کوه آتشفشان است، یکباره فوران می‌کند و عشق می‌پراکند اما عطار، شاعری محقق و پژوهشگر است که راجع به اشعار خود عمیقاً تفکر می‌کند، ابتدا تأمل می‌کند و سپس می‌سراید.»

در این نشست، دکتر محقق به رموز موجود در آثار عطار اشاره کرد و توضیح داد که مفاهیمی مانند آرزوی کیمیاگری، جام جم و سلطه‌جویی برزمان از جمله نمادهای مهم الهی‌نامه هستند که در پس خوانش این آثار، لذت‌های وصف‌ناپذیری را برای مخاطبان به ارمغان می‌آورند.

عطار شاعری مردمدار

سخنران دیگر این نشست، دکتر محمد تقوی نیز با تایید سخنان دکتر محقق، درباره شخصیت اجتماعی عطار گفت: «چون عطار نیشابوری واقعاً به شغل عطاری مشغول بوده، در دکان خود مشکلات مردم را از نزدیک می‌دیده و می‌شنیده؛ به همین دلیل سوالاتی که مطرح می‌کند و سپس به آن‌ها پاسخ می‌دهد تا این اندازه با دغدغه‌های انسانی تناسب دارد.» وی همچنین به نگاه عطار به انسان در آثارش اشاره و بیان کرد: «انسان در اشعار عطار، یک انسان کامل و معصوم نیست. این مسئله نشان‌دهنده دیدگاه خاص اوست که در مقایسه با شاعران دیگر، مانند مولانا، هنجارشکنی بیشتری در آن دیده می‌شود. احتمال دارد که این هنجارشکنی، برگرفته از خیام باشد.»

دکتر تقوی در بخش پایانی سخنانش، شخصیت «دیوانه» در آثار عطار را با «رند» در غزلیات حافظ مقایسه کرد و به تفاوت‌های این دو پرداخت. این نشست با اجرای زنده موسیقی سنتی در ساعت ۱۴ به پایان رسید.

نهمین سالگرد
مادر مهربانمان
بانو مهین زیارتی کل
و یادپدر عزیزمان
مهندس سیداسماعیل حسینی ناوی
راگرامی میداریم
خانواده مهندس ناوی
۱۱۹۵۶۳

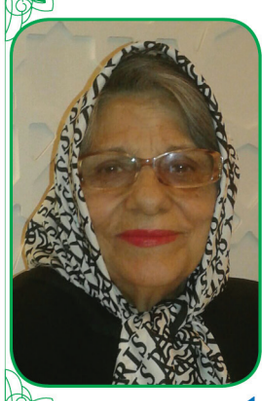

همکار گرامی
جناب آقای دکتر محسن صدیق شمسی
ضایعه درگذشت **پدر عزیزتان** را از صمیم قلب تسلیت عرض می نماییم.
ما را در غم خود شریک بدانید.
اعضاء هیئت علمی گروه داخلی و دستیاران
۱۱۹۵۱۵

WWW.۳۷۰۱۰.IR
آسان ترین راه سفارش آگهی ترحیم و تسلیت
سفارش آنلاین
امکان ارسال عکس
دریافت فاکتور
استفاده از متن های پیشنهادی
تلفن تماس بخش پشتیبانی
۳۷۰۰۹۹۱۴